

کارکرد تشبیه در پهنه شعر محمدحسین (بهجت تبریزی) شهریار

دکتر محمد آذروش*

چکیده

تشبیه یکی از مهم‌ترین صورت‌های خیالی شاعرانه است و برجسته‌ترین جوهره شعر است، در بررسی صور خیال شاعران تشبیه بالاترین کاربرد در شعر شاعران خود را نشان می‌دهد. در این مقاله سعی تمام داشته‌ایم به صورت اختصار برجستگی سخنوری و هنرآرایی در به کارگیری تشبیه در اشعار شهریار را نشان دهیم و همت گمارده‌ایم تشبیه‌های مختص و البته شهریار وار که به سبک شهریار در کلامش متجلی شده، بیاوریم. استفاده شهریار از صنایع بدیعی و آرایه‌های ادبی خصوصاً تشبیه شیوه خاص خود را داشت که استفاده از تشبیه ترکیبی یا تشبیه در تشبیه بسیار جلب نظر می‌کند. به طور مثال: تشبیه بلیغ (اضافه تشبیهی) طوطی تند خراسانم و یاد لب‌تر می‌گشاید به رخم دکۀ قناد هنوز که صد البته این تشبیهات نیز در آثار قدما نیز دیده می‌شود اما به کارگیری تشبیه در تشبیه بسیار زیبا آورده شده است. نظیر: سر زلفش چرا بر نگیرد روی ماهش را مگر بر ابر سیه خورشید را در بر نمی‌گیرد

واژه‌های کلیدی

تشبیه، شهریار، صنایع ادبی، شهریار، صور خیال.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۵/۱۵

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال هفدهم ❖ شماره ۴۲ ❖ زمستان ۱۳۹۸

تشبیه مانند کردن چیزی است به چیز دیگر مشروط بر این آن ماندگی مبتنی بر کذب باشد نه صدق، یعنی ادعایی باشد نه حقیقی (شمیسا، ۱۳۷۴: ۶۷)

بدون شک تشبیه یکی از مهم‌ترین صور خیالی شاعرانه است و خیال جوهر اصلی و ثابت شعر است که از نیروی خیال حاصل می‌شود و این نیرو قابل به تعریفی دقیق نیست.

دکتر شفیع کدکنی در کتاب صور خیال در شعر فارسی می‌آورد: تشبیه عبارت است از یادآوری همانندی یک چیز در بین یک یا چند صفت یا جهاتی به عبارت دیگر تشبیه اخبار از شبه است و مراد از آن، اشتراک دو چیز در یک یا چند صفت (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۳: ۷۸)

در تعریف تشبیه شمس قیس رازی در المعجم می‌آورد «تشبیه چیزی به چیزی مانند کردن است و در این باب معنی مشترک میان مشبه و مشبه به چاره نبود.» (رازی، ۱۳۷۳: ۳۰۶)

و هم‌چنین است تعریف مشترکی از اساتید فنون ادبی روزگار ما چون جلال الدین همایی، سیروس شمیسا، دکتر شفیع کدکنی و دیگران...

چنانکه از تعبیر بالا در خصوص اتفاق نظر در تعریف تشبیه بر می‌آید باید اذعان داشت که شمس قیس رازی در تعریف تشبیه از «معنی مشترک» و شفیع «از اخبار از شبه» سخن می‌گوید. شمیسا نیز بر این نظر است که رابطه این باید بر اساس ادعا باشد نه حقیقت یعنی «خواهرم مثل مادرم است» تشبیه نیست چرا که بر مبنای حقیقت است نه ادعا.

در بررسی شعری غزلیات شهریار به طور باریک‌بینانه می‌توان با نگاه‌های مولانا و در نتیجه استعارات و تشبیهات که معمولاً جدید است، سنجد.

البته از مختصات مهم شعری مشترک می‌توان از موسیقی قوی شعر، خاصیت حقیقت‌نمایی را باور داشت. تاثیرگذار بودن (بلاغت)، نشاط و غم ستیزی و فور تشبیه و تلمیح را می‌توان از وجوه مشترک دو شاعر معاصر و مولانا برشمرد؛ البته این تشبیه‌ها در اشعار ترکی شهریار نیز نمود فراوان دارد.

به طور مثال تک بیت حضرت مولانا در غزل مشهور:

کارکرد تشبیه در پهنه شعر محمدحسین (بهجت تبریزی) شهریار □ ۷۱

بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست

در بیت:

این نان و آب چرخ چو سیل است بی وفا من ماهیم، نهنگم، عمانم آرزوست

که تشبیه نان و آب به سیل که تشبیه تازه‌ای است وجه شبه انقطاع ناگهانی که از آن به بی‌وفایی تعبیر کرده است. (شمیسا، ۱۳۹۳: ۸۴)

استفاده شهریار از آرایه تشبیه به طور اعم، شاید ناشی از خیال و زیستنش با شعر و آشنایی و عشق و علاقه‌اش به موسیقی باشد که شهریار در طول زندگی از دو هنر شعر و موسیقی برخوردار بود و به قول خودش: شعر بدون موسیقی شعر نیست.

شهریار سخنوری است که بر تمام فنون شعر استاد بود که البته شعرش گواه خوبی است در اثبات آورده‌های ما، چرا که شهریار بر زیر و بم سخن فارسی تسلط وافیه و کافی داشته و به فراخور شعرش از منابع ادبی و صور خیال بهره برده است.

از میان این همه صنایع بدیعی و آرایه‌های ادبی شاید بتوان گفت تشبیه رکن اساسی و زیر ساختی در سروده‌های وی برجستگی خاصی دارد چرا که بزرگان شعر این کهن دیار چون مولانا، سعدی و حافظ که - شهریار خود عاشق این بزرگان و مریدان دل‌سوخته حافظ می‌دانست - از انواع تشبیه در شعر خود سود جستند.

در این نوشته ما سعی کرده‌ایم به صورت مختصر و گذرا به تشبیه‌های دیوان او نظری بیافکنیم و در حد وسع به تشبیه‌های معمول ایشان اشاره‌ای کرده سپس به تشبیه‌های خاص خود شهریار که در آنها تشبیه در تشبیه آمده و چندین تصویر را چنان پیوند داده که کلمات موسیقی‌وار صناعت نظیر پیوند درونی ادبیات را بسیار دلنشین و فراخور شعر شهریار ساخته است.

در شعر شهریار بیشتر صنایع ادبی و آرایه‌های ادبی و نیز صور خیال به کار رفته به تشبیه تعلق دارد انواع تشبیه از تشبیه مرسل، تشبیه بلیغ (اضافه تشبیهی)، تشبیه تمثیل، البته از تمامی تشبیه‌های به کار رفته در اشعار شهریار بلیغ کاربرد فراوان یافته است. ما در ذیل به صورت

۷۲ کارکرد تشبیه در پهنه شعر محمدحسین (بهجت تبریزی) شهریار

اختصار و گذرا به بعضی از این تشبیه‌ها اشاره می‌کنیم.

طوطی تند خراسانم و یاد لب تو می‌گشاید به رخم دکه قناد هنوز

(۲۶۲/۱ به یاد استاد فرخ)

و

قاف عزلت تو به من دادی و اقلیم بقا تا توانستم ازین قاعده عنقا گشتن

(۷۱/۱ قاف عزلت)

تا تشبیه تمثیل نظیر:

بذر محبت به اشک بشکفد آری نخل تناور شود چو هسته خورد آب

قاف عزلت تو به من دادی و اقلیم بقا کوزه گراز کوزه شکسته خورد آب

(۹۶/۲)

که از جنس تشبیهات معمول شاعران گذشته یا هم‌عصری وی است و درخشش خاصی ندارد.

انواع تشبیه از تشبیه مرسل گرفته نظیر:

آدمی در همه احوال چو دزد شب برف هر کجا پای گذارد رد پای دارد

گاه دیده می‌شود که شاعر چندین تشبیه بلیغ را در بیتی آورده که هر یک از مشبه و

مشبه‌به‌ها به نوعی با یک‌دیگر متناسبند:

گر نه شخم تربیت تلخت بریود تخم تعلیم تا نورزانی زمینه بذر علم بدافشانندی نیست

شاعر در این بیت تربیت را به شخم، تعلیم را به تخم و علم را به بذر تشبیه کرده است.

علم و تربیت از سویی و بذر و تخم از سوی دیگر با یک‌دیگر متناسبند و گروه مشبه و مشبه به

یک شبکه مراعات‌النظیری را به وجود آورده‌اند.

غزل «شب زفاف» یکی از مهم‌ترین و معروف‌ترین اشعار شهریار است که از جمله

تصویری‌ترین غزل‌های وی نیز به شمار می‌رود. شاعر در این شعر، گویی منوچهری معاصر

می‌شود و تمامی جلوه‌های طبیعت در باغ بهجت آباد را به مشبه‌به‌هایی مانند می‌کند که

خواندنی و تصورکردنی است:

کارکرد تشبیه در پهنه شعر محمدحسین (بهجت تبریزی) شهریار ❏ ۷۳

ز ابر دوخته بر سینه آسمان سپری که تیره آه منش سرمه پیش سپری

(زفاف شاعر) ۸۸۷/۲

در این شعر آسمان از ابر سپری ساخته و بر سینه‌اش دوخته است، سپری که سخت استوار است و قصد رفتن ندارد و آه‌های شاعر تیرهایی هستند نه تنها بر آن سپر کارگر نمی‌شود، بلکه در نگاه وی بیشتر میل‌های سرمه‌ای می‌شوند که کارایی تیر را ندارند، تشبیهی پیچیده در کمال ایجاز؛ البته شاعر ابرهای انبوه را به سپری تشبیه می‌کند و بعد با استعاره‌ای آسمان را به جنگاوری شبیه دانسته که سپری از ابر را بر سینه خود دوخته است یعنی به جای فعل گرفتن «گرفتن» یا «نگه داشتن» شهریار فعل «دوختن» را به کار برده تا ادامه داشتن و سمج بودن و ماندگاری ابرها را به خواننده منتقل کند. جالب اینکه شاعر با انتخاب «دوختن» در سطحی دیگر سپر را به دکمه‌ای شبیه کرده است که آسمان در حکم دوزنده محکم آن را بر سینه لباسش دوخته است.

در مصراع بعد آه‌های شاعر به تیر تشبیه می‌شود و بی‌درنگ گویی وی به بی‌اثری و ناتوانی آه‌های خود پی برده باشد که نمی‌تواند با تیر برابری تشبیه داده باشد، آن را به سرمه تغییر داده که تنها می‌تواند خطی سیاه بر روی سپر بیندازد و نکته این که این خط سیاه می‌تواند نخ سیاه دوختن دکمه باشد که در نتیجه عکس دارد. اتصال سپر ابر را به سینه آسمان چه بسا محکم‌تر می‌کند و نمی‌گذارد آه‌های شاعر به آسمان بالا برود و اثرگذار شود!

شهریار در بیت‌های پسین، زمانی که رهگذر ژنده‌پوش او را از خواب بیدار می‌کند گویی عینک سه‌بعدی برای دیدن جادوی طبیعت می‌آورد! تشبیه‌هایی خلق می‌کند که یادآور اشعار طبیعت‌گرای منوچهری و انوری است:

در آستین مگرش سینمای جادو بود که نقش بست مرا فیل آرزو به نظر

(زفاف شاعر) ۸۸۷/۲

و این انقلاب نظر، شب سیاه او را سحری سپید می‌کند و شب زفاف او را از معشوق زیباتر:

۷۴ کارکرد تشبیه در پهنه شعر محمدحسین (بهجت تبریزی) شهریار

شکافت سقف حصار شکوفه‌ها بشکفت شب سیاه من آمد یکی سپید سحر
سرای حجله بختم ستاره باران شد شب زفاف من از آن تو همایون‌تر
(۸۸۷/۲ زفاف شاعر)

در بیتی دیگر از همین شعر:

فرشتگان سمن موی سایه مهتاب به سان سیل فروریختی ز کوه و کمر
(۸۸۷/۲ زفاف شاعر)

شاعر سایه و مهتاب را به فرشته‌ها تشبیه کرده است، سپس برای این فرشتگان یک صفت در نظر گرفته و آن «سمن موی» است؛ وی موهای آنها را نیز به سمن مانند می‌کند. آنگاه تشبیه را به تصویر تشبیهی دیگری می‌کشد و این فرشتگان با موهای یاسمن را تشبیه می‌کند به سیل که انبوهی و سرعت و قدرت به ناگاه از کوهسار فرود می‌آید. سایه و مهتاب در خیال‌انگیزی و لطافت به فرشته شبیه شده‌اند و در آن هنگامه تراژیک و رمانتیک شاعر که به بالاترین سطح نزدیکی به طبیعت رسیده، بلکه با آن یکی شده است، توده‌های عظیم فرشته‌ها را می‌بیند که میهمان‌وار و با شوق به عروسی او می‌آیند؛ شبی که عروسی معشوق است و هم‌زمان زفاف شاعر با طبیعت.

در حاشیه این شعر سراسر تصویر و تشبیه گفتنی است که شاعر با زیرکی وزنی تند و سریع را برای این شعر برگزیده است تا هم آن حس شتابی فروریختن سیل را به ذهن متبادر کند و هم یادآور آهنگ‌های جشن عروسی باشد.

نمونه دیگر در این شگرد در بیت زیر آمده است:

سر زلفش چرا در برنگیرد روی ماهش را مگر ابر سیه خورشید را در بر نمی‌گیرد
شاعر ابتدا روی معشوق را به ماه تشبیه کرده است، سپس در مصراع دوم با تجاهل العارفی زیبا روی چون ماه معشوق را به خورشید نیز مانند می‌کند. هم‌چنین ابر سیه مشبه به سر زلف شده است. چهره زیبایی که شبیه ماه و خورشید است و سر زلفکانی که باید چون ابری سیاه آن را در خود پنهان کنند.

کارکرد تشبیه در پهنه شعر محمدحسین (بهجت تبریزی) شهریار □ ۷۵

نوع دوم تشبیه را بیشتر گفتیم، ترجیح می‌دهیم تشبیه‌های خاص شهریار بنامیم. تشبیه‌هایی با توانش بالای تصویری که با شگرد تشبیه در تشبیه ساخته شده‌اند. در این تشبیه‌ها ضمن ایجاد تخیل قوی، ارتباط بین کلمات دیگر در نظر گرفته می‌شود و بیت را تبدیل می‌کند به شبکه‌ای از واژگان در هم تنیده و تصاویر در هم ادغام شده و به این طریق با خیال و پیوند کلمات قوی‌تر می‌گردد و همین ویژگی این تشبیه‌ها را با تشبیه مرکب یا وجه شبه متعدد که در کتب بلاغی از آنها سخن گفته شده متفاوت می‌کند.

من در یتیم صدف سینه دریاست بگذار یتیمان و در دانه بمی‌رم

(۳۰۷/۱) وداع میکده و مرگ قلندری)

شاعر خود را با وجه شبه ارزشمندی و بی‌مثل بودن به مروارید یکتایی تشبیه می‌کند که صدف او در دل دریاست. در مصراع دوم وی به دلیل همان صفت یتیم بودن اجازه می‌خواهد که بی‌کس و تنها بمیرد. نکته ظریف شاعرانه این بیت در اینجاست که در مصراع دوم شاعر دیگر سخنی از صدف مادر اوست، نمی‌زند، گویی وی حس یتیمی و فقدان مادر را با حذف این واژه خواسته بیشتر نشان دهد.

در ابر سیه مقبره مرتعش ماه چون نعل کبوتر به چنگال عقاب است

(۱۰۲/۱) سد شکسته)

شاعر ماه را به مقبره‌ای تشبیه می‌کند و با دادن صفت مرتعش به آن ذهن را برای ارائه تشبیه ثانوی آماده می‌سازد و در مصراع دوم ماه لرزان را به کبوتری مانند انتخاب کلمات مقبره، ابر سیاه و چنگال ضمن فضا سازی غم‌آلود و سوگوار، مراعات‌النظیر زیبایی آفریده است و همین ساخت نظامی از مراعات‌النظیرها به قوی ساختن و تو در تو کردن تشبیه کمک زیادی کرده است.

چون نامه‌های تسلیت دوستان بریخت پروانه‌های برف ز هر بام و هر درم

(۳۰۴/۱) باد آورد و برد)

باز همان شگرد تشبیه به تشبیه تشخص خاصی به شعر داده است، شاعر برفدانه‌های هنگام

۷۶ کارکرد تشبیه در پهنه شعر محمدحسین (بهجت تبریزی) شهریار

مراسم مرگ برادر را به پروانه‌هایی مانند می‌کند که از هر سو بر سرش فرود می‌آیند و در سطح دوم برف‌هایی را به پروانه تشبیه کرده، به نامه‌هایی که دوستانش برای تسلیت برایش فرستاده‌اند، تشبیه کرده است تا هم در خلال این بیت فضای زمستانی آن روز را به تصویر بکشد، هم بارش برف را که رحمت خداست با رحمت و مهربانی ارسال نامه‌های تسلیت و همدردی دوستانش برابر بداند، هم انبوهی نامه‌ها را یادآوری کند، هم اشکال هندسی زیبای دانه برف‌ها را با خال‌های سیاه پروانه‌های سفید مشابه بداند و ظریف‌تر این که احتمالاً این دو را مشبه یا حتی مشبه به خط خوش مرکب سیاه نامه‌های تسلیت که بر روی صفحه سفید کاغذ جلوه کرده‌اند، در نظر گرفته باشد. جالب‌تر اینکه تمام این تصاویر را شهریار در یک بیت کم‌واژه با محوریت مشبه و مشبه به پروانه‌های برف و نامه‌های تسلیت آفریده است.

چه شعبده است که در چشمه کان آبی تو نهفته‌اند شب ماه تاب دریا را
(۷۸/۱ غزله صبا)

در این بیت، شاعر چشمان آبی معشوق را به دریا تشبیه کرده است، منتهی مشبه به را مقید کرده به شب مهتاب، یعنی دریا در شبی مهتابی که خیال‌انگیز است شبیه چشمان توست در شبی عادی! سپس با نشان دادن کلمات «شعبده»، «چشمک» و «نهفتن» تصاویر ثانوی ایجاد کرده است، چشمان معشوق ابزار شعبده‌بازی است که تا باز است آبی است و چون با چشمکی باز و بسته می‌شود ناگاه شب مهتاب دریا که در آن نهفته بوده است ظاهر می‌گردد.

بیت‌های بسیار دیگری در دیوان شهریار واجد این ویژگی هستند ولی به خاطر اختصار در این مقاله به بررسی چند نمونه بسنده شده است.

از جمله می‌توان به ابیات ذیل اشاره کرد:

گیاه دانه عشقم فشرد در دل خاک چنان‌که دم به دم می‌دمند، می‌رویم

(شهریار ج ۲)

شعمدانه سحر با زشد و عقد پرن آخرین خوشه‌ای از شاخه شب بوی تو بود

(شهریار ج ۲)

کارکرد تشبیه در پهنه شعر محمدحسین (بهجت تبریزی) شهریار □ ۷۷

- هزار شکر که چون غنچه با چنین دل تنگ به شکوه هم نگشاید لبی که من دارم
(شهریار ج ۱)
- به تارهای دلم زخمه می‌نوازی و من در اهتزاز که چون سیم ساز می‌خوانم
(شهریار ج ۱)
- ای سیب بهشتی به لب و گونه گلگون داغ است دل لاله دیوی زده گازت
(شهریار ج ۱)
- درخت گل به گلشن دختر گلدوز را مالت چمن خود از گل و بوته نگارین کار گلدوزی
(شهریار ج ۲)
- وان سر زلفی که پایدم چو جانش را گزند عاقبت در گردنم پیچید و چون مارم گزید
(شهریار ج ۱)
- نرگس به چشم تو چشمی گشود و بست چون چشمکی که بچه لوس نر زند
(شهریار ج ۱)
- آفتابی تو و در پای تو ریزم چون صبح این همه کوکب اشکی که به دامن دارم
(شهریار ج ۱)

نتیجه

شهریار در به کارگیری صنایع ادبی و صور خیال از اقسام «تشبیه» بهره‌ها برده و ذوق خویش را با به کارگیری نمونه‌های اغلای تشبیه تشحیذ کرده است. تشبیه در تشبیه را می‌توان از تشبیه‌های منحصر به فرد تشبیه‌های شهریاروار تلقی کرد یعنی شهریار با ذوق تمام و قوه خیال خود چندین تشبیه را در تصاویر متعدد ادغام کرده و با آفرینش سایر صنایع بدیعی چون مراعات‌النظیر سحر کلام خود را در حد متعالی رسانده است چنان‌که در ظاهر با تشبیه مرکب اختلاف اساسی یافته است. در این مقاله سعی شد ابداع تشبیه در تشبیه شهریاروار گشوده و پیوند این تشبیه‌ها در کلام ایشان نشان داده شود...

منابع و مأخذ

- ۱- بهجت تبریزی، شهریار (محمدحسین). دیوان شهریار جلد ۲ و ۳، نگاه: نشر زرین، ۱۳۸۰.
- ۲- کاویان پور، احمد. زندگانی ادبی و اجتماعی شهریار. تهران: نشر اقبال، ۱۳۸۱.
- ۳- شمیسا، سیروس. سبک‌شناسی شعر. تهران: نشر میترا، ۱۳۹۳.
- ۴- _____، _____ . بیان. تهران: نشر فردوسی، ۱۳۷۴.
- ۵- شفیع‌ی کدکنی، محمدرضا. صور خیال در شعر فارسی. تهران: نشر آگاه، ۱۳۸۳.
- ۶- _____، _____ . موسیقی شعر. تهران: نشر آگاه، ۱۳۶۸.
- ۷- وطواط، رشیدالدین. حدائق السحر فی دقائق الشعر. تهران: نشر طهوری. ۱۳۷۷.
- ۸- سرمد، زهره. صور خیال در غزلیات شهریار. رشت: نشر بلور، ۱۳۸۸.